



صندوق ذخیره ارزی در دولت های مختلف همواره محل افتراق آرا بوده است. صندوقی که بر اساس ماده ۶۰ برنامه سوم توسعه، پایه گذار حسابی شد که بر اساس آن دولت باید مازاد درآمد نفتی پیش بینی شده در بودجه را به آن حساب واریز کند. این حساب با هدف مصون نگاه داشتن کشور از شوک های نفتی تاسیس شد. در چند سال گذشته نیز این صندوق محل چالش میان دولت و کارشناسان اقتصادی بوده است. سال گذشته که هیات امنای صندوق ذخیره ارزی از سوی هیات دولت منحل شد، اوج تنش ها در این خصوص درگرفت. نمره هاشمی؛ مشاور ارشد رئیس جمهور نیز در گفت وگویی با ایبنا اعلام کرده است که ذخایر ارزی را به طلا تبدیل کرده ایم و جای هیچ نگرانی برای کمبود ذخایر ارزی نیست.

چندی پیش بیژن نامدار زنگنه وزیر سابق نفت و محمد باقر نوبخت معاون پژوهش های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک درمیزگردی به تفصیل در این خصوص بحث کرده اند و به مسائل جالبی در خصوص صندوق ذخیره ارزی و وضعیت فعلی کشور اشاره شد که مشروح آن در زیر می آید.

زنگنه؛ اقتصاد ایران از ۴ منظر به نفت وابستگی دارد؛ اولین تاثیر سهم نفت از تولید ناخالص داخلی ایران است که حدود ۵۰ درصد آن را تشکیل می دهد. بخش دوم این ارتباط تاثیر نفت بر تراز پرداخت های خارجی ایران است. به عبارتی بیش از ۸۰ درصد ارزی که برای واردات استفاده می کنیم ارزی است که از محل صادرات نفت خام به دست می آید. از طرفی میزان وابستگی درآمدهای عمومی دولت به فروش نفت خام است که در سال ۸۳ زیر ۵۰ درصد بود اما الان با رشد چشمگیر به بالای ۶۰ درصد رسیده است. چهارمین مولفه هم میزان یارانه هایی است که بابت فرآورده های نفتی مصرف داخل پرداخت می شود. این وابستگی نفت فقط در اقتصاد خودش را نشان نمی دهد. من همیشه به شوخی هم وابسته به دولت هستمند و همه فوتبال خصوصی هم نداریم و همه شده می گویم حتی در ایران یک تیم فوتبال خصوصی هم نداریم و بخش خصوصی از تولید ناخالص ملی الان به کمتر از ۲۵ درصد می رسد. شاید ۷۵ درصد تولید ناخالص داخلی وابسته به دولت است. ساختار قدرت تحت تاثیر این ماجرا قرار گرفته است. زنگنه در ادامه این میزگرد که در رادیو گفت وگو برگزار شد گفت: درآمدهای نفت در سال های بعد از انقلاب چند دوره نوسان داشت. با پیروزی انقلاب و به دلیل شوکی که به خاطر کاهش

صادرات نفت ایران ایجاد شد- صادرات از متوسط ۵/۸ میلیون بشکه در روز به ۱/۸ میلیون بشکه کاهش یافت- یک جبهش عمده در دولت بودجه را به آن حساب پیش رفت. اما با شروع جنگ و اختلافات درونی اوپک قیمت نفت سقوط کرد و در سال ۶۵ تا مرز ۶ تا ۷ دلار رسید اما اصلاح قیمت ها تقریباً در یک دوره ۱۵ ساله تا اوایل دولت خاتمی در سال ۱۹۹۸ قیمت نفت بین ۱۵ تا ۲۰ دلار در نوسان بود. در اوایل دولت خاتمی به دلایل رقابت های داخلی اوپک و دعواهای ویزا و ترا و عربستان، قیمت نفت به ۸-۷ دلار رسید و این داستان یک سال و نیم ادامه پیدا کرد تا اینکه اوپک- با نقش ویژه ایران- توانست قیمت نفت را در اوایل سال ۷۷ به بالای ۱۶ دلار برساند. در همین زمان که قیمت ها به سمت بالا رفت به این فکر افتادیم که باید از این افزایش قیمت ها استفاده کرد و وابسته کردن کشور به پول نفت ختمی به کشور نیست. به همین دلیل در آن زمان این بحث مطرح شد که از تجاری شدن و سایر کشورها است استفاده کنیم. در اردیبهشت ۷۷ پیشنهاد ایجاد «صندوق توسعه خصوصی» را به دولت واگذار شد. بدین ترتیب نفتی که در دست دولت است محدود می شد. این پیشنهاد در سازمان مدیریت و برنامه ریزی مورد بررسی قرار گرفت و یک ماموریت ویژه هم برای این صندوق اضافه شد تا نوسانات درآمدهای بودجه عمومی را از طریق نوسانات قیمت نفت کنترل کند. این نوسانات قیمت نفت تاثیر عمده یی در بودجه می گذاشت. به همین دلیل برای برنامه سوم، میزان پرداخت از این صندوق را نصف- نصف کردند و گفتند نصفش برای وام دادن، نصفش برای ذخیره در صندوق؛ پیشنهاد صندوق را هم گفتند فعلاً حساب باشد. در دوره بعد یعنی سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ بهای نفت رو به افزایش گذاشت و تا ۴۵ الی ۴۷ دلار- در سال ۲۰۰۵ که آخرین سال کاری من بود- رسید که این قیمت ها، قیمت های کم سابقه نفتی بود. درآمدهای نفتی ایران بسیار بالا رفت چون ما در سال ۹۰۰ میلیون بشکه صادر می کنیم که تقریباً الان هم همین طور است، این فرصت بسیار خوبی بود. از طرفی در برنامه چهارم توسعه هم مشخص کرده بودیم مقدار برداشت از نفت چنددر صد کمتر از برداشت حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده است. شاید اطمینان دوستان از این

### صندوقی برای فقیرتر شدن-۱

# ۸۰ میلیارد دلار مازاد درآمد نفت گم شده است؟

حسام الدین پارسا

راه بودجه عمرانی جاری کشور اختصاص داده بودیم. تا آغاز سال جاری حدود ۶۳/۸ میلیارد دلار از این حساب برای فعالیت های مختلف دولت برداشت شده است. حتی بخشی برای تامین هزینه های جاری بوده که دقیقاً مغایر و مخالف برنامه چهارم بوده است.

ریز این ارقام قابل احصا است. مثلاً در سال های ۷۹ و ۸۰ برداشت از حساب ذخیره رقم قابل توجهی نبوده است اما سال ۸۱ حدود ۴/۵ میلیارد دلار، در سال ۸۲ معادل ۵/۴ میلیارد دلار و در سال ۸۳ معادل ۷/۵ میلیارد دلار برداشت هایی از حساب ذخیره شده است.

اما قابل توجه است که از سال ۸۴ برداشت از حساب ذخیره ارزی در دولت نهم اوج می گیرد به نوعی که در سال ۸۴ معادل ۱۱/۸ میلیارد دلار، در سال ۸۵ معادل ۱۷/۸ میلیارد دلار و معادل ۱۶/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ در حساب ذخیره برداشت می شود. به عبارتی معادل ۴۶ میلیارد دلار در سه سال اخیر از این حساب برداشت شده است. در سه سال قبل تر مجموع این برداشت حدود ۱۶ میلیارد دلار بوده است. شاید اطمینان دوستان از این

بود که دیگر آن سال های سخت کاهش قیمت نفت تکرار نمی شود و مجازند برای فعالیت های توسعه می یابند پول را برداشت کنند. البته با یک مشکل دیگر مواجه هستیم، آن هم اینکه برداشت هایی که از ذخیره ارزی صورت می گیرید برای مخارجی است که باید به ریال تبدیل شود. جایی باید این ارزها به ریال تبدیل شود. چون بخش خصوصی آمادگی دریافت این ارز و دادن ریال را نداشت، بانک مرکزی این دلارها را از حساب ذخیره ارزی دولت خریده است. بدین ترتیب یک پول بر قدرت را از طریق بانک مرکزی وارد اقتصاد می کردیم که از نظر منابع مرتبط با پایه پولی است، به نوعی تراز داری های خارجی بانک مرکزی افزایش می یافت و سبب افزایش نقدینگی در جامعه می شد.

دوستان باید در نظر می گرفتند که بازفت هماتطور که بالا می رود ممکن است پایین بیاید. در همین چند ماه اخیر هم با تمام اطمینانی که به این بازار بود و مسئولان هم عنوان می کردند که هیچ گاه این قیمت به زیر ۱۰۰ دلار نمی آید اما بدینم به زیر ۶۵ دلار هم رسیده است. اگر بحث کاهش

رشد اقتصاد جهانی ادامه داشته باشد، با هم کاهش قیمت نفت همچنان مواجه خواهیم بود و می تواند شوک هایی بیابورد. متأسفانه این پولی که برای روز مبادا گذاشته بودیم از دست دادیم و تقریباً خلع سلاح شدیم و آنچه در این حساب بود را سال های گذشته هزینه کردیم و قدرت مانورمان را از بین بردیم. در خصوص حرف های اخیر احمدی نژاد در مورد حساب ذخیره ارزی باید به دو نکته توجه داشت؛ یکی «حساب ذخیره ارزی» و دیگری «ذخایر ارزی» است. حساب ذخیره ارزی همان حسابی است که از سال ۱۳۷۹ نزد بانک مرکزی افتتاح شده است و قرار شد مازاد درآمدهای نفتی نسبت به ارقام برنامه های توسعه در این حساب قرار گیرد و برای برداشت کسی نمی تواند این منابع را برداشت کند مگر آنکه از مجلس اجازه بگیرد. اما ذخایر ارزی کشور بحث دیگری است. مجموع ذخایر ارزی بخش خصوصی به علاوه دارایی های ارزی بخش دولتی است که با در داخل یا در بانک های خارجی نگهداری می شود. بخش مرتبط با دولت خود دو بخش است؛ یکی دارایی های خارجی بانک مرکزی که به عنوان پایه پولی استفاده می شود و یک بخش هم حساب ذخیره

بود. در دولت خاتمی (۱۳۸۳-۱۳۷۶) ۱۷۳/۲۷ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم و قیمت متوسط هر بشکه نفت سالانه ۲۱/۷ دلار بود. در سه ساله دولت احمدی نژاد (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۴) در کل ۱/۹۸ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم که به طور متوسط ۶۶ دلار هر بشکه سالانه به فروش رفته است. بدین زنگه؛ به طور کلی در طول برنامه سوم توسعه ۵۶ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی را به بودجه عمرانی و جاری کل کشور اختصاص دادیم. مازاد این رقم به حساب ذخیره رفت و کنار وام دادن به بخش خصوصی شروع شد. حتی آنجا کراه داشتیم و حتی در هیات امنای یادم نمی آید تصویب کرده باشیم که به بخش های عمومی وام داده شود. برای برنامه چهارم توسعه از منابع نفتی مقداری بیشتر برای بودجه کشور گذاشته شد چون درآمدهای نفتی هم بالاتر آمده بود اما باز هم زیر ۲۵ دلار بود.

الان خوشبختانه دولت در این سه سال و نیم از درآمدهای نفتی، بالای ۲۰۰ میلیارد دلار نصیب شده است. این رقم به تنهایی از هشت سال دولت آقای خاتمی بیشتر است. یعنی در سال ۲۰۰۳ (سال ۱۳۸۲) متوسط قیمت نفت اوپک حدود ۲۸ دلار در هر بشکه، در سال ۲۰۰۴ (سال ۱۳۸۳)، ۳۶ دلار در هر بشکه بوده است اما در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) هر بشکه نفت ۵۱ دلار بوده است. در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵) هر بشکه نفت ۶۱ دلار بوده و در سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) هر بشکه ۷۰ دلار بوده است و در سال ۲۰۰۸ میلادی ۱۰۸ دلار است که جمع این ها در سه سال و نیم ۲۰۰ میلیارد دلار می شود.

هر عبارتی در برنامه چهارم توسعه، نفت با ۲۵ دلار بسته شد و الان با افزایش قیمت نفتی که حاصل شده انتظار می رود حساب ذخیره ارزی حداقل معادل ۱۰۰ میلیارد دلار موجود داشته باشد. از این رقم هم باید حداقل ۵۰ میلیارد دلار آن را به بخش خصوصی در قالب وام پرداخت شده باشد.

از طرفی آشنایی که ۵۰ میلیارد دلار پول دارد، ۵۰ میلیارد دلار قدرت مانور ندارد. یعنی با یک دلار حداقل می توان سه تا چهار دلار تجهیز منابع کرد. کاری که در این بازار ساده یا باقالی ساده می کند. اینکه الان موجودی صندوق چندر است، من نمی دانم. تا الان گزارشی ندیدم که از این پول چندر هزینه شده است. طبق اصل ۴۴ که به نوعی آزادسازی اقتصادی است باید دولت در طول پنج سال تمام تصدی های خود را

واگذار کند، اما اگر دولت دوباره به این اقتصاد وارد شود و دوباره این پول ها را حتی به شکل طرح های عمرانی - اگرچه بیشتر پول نفت در بخش جاری هزینه شده است - هزینه کند، باز کارایی کافی برای اقتصاد ایران ندارد. دولت پول نفت را در کارهای کم بازده هزینه کرده است. شاید مردم الان توقعی داشته باشند اما برآوردن توقعات الان مردم معلوم نیست که منجر شود ایران در آینده کشور توسعه یافته یی شود. به عبارتی نیت خیر اگر باشد یا نباشد معلوم نیست به بهبود زندگی مردم منجر شود. سیاست های برنامه پنجم توسعه رهبری ارسال شد. در این سیاست ها به خاطر وضعیتی که الان وجود دارد، بحث های مفصلی را در مجمع تشخیص مصلحت نظام و کمیسیون اقتصادی و تلفیق صورت گرفت و نهایتاً برای برداشت مازاد از حساب ذخیره تصمیم گیری شد. در این پیشنهاد مطرح کردیم که نفت سرمایه ملی است و نباید درآمد دولت حساب شود و باید صرف سرمایه گذاری های موچه و تجدیدنظر شود. لذا مقدار برداشت دولت از درآمد نفتی در پنج ساله بعد محدود خواهد بود و دولت باید هرساله میزان وابستگی بودجه جاری به درآمد نفت را کاهش دهد؛ کاری که دولت تاکنون آن را اجرا نکرده است. از طرفی تصویب کردیم صندوق ذخیره باید تصویب شود که همان صندوق توسعه ملی دهه ۷۰ است، باید احیا شود و این صندوق باید به شکلی اداره شود که مستقل از دولت باشد. به این معنا که تحت تاثیر سیاست های جاری دولت و نوسانات سیاسی در دولت نباشد. اگر این موضوع توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شود مجلس هم خلاف این مواد نمی تواند تصویب کند. این موارد در حال حاضر مصوب کمیسیون تلفیق مجمع تشخیص مصلحت نظام است که اگر رهبری به صورت قانون در طول برنامه پنجم توسعه ابلاغ کنند، مجلس نمی تواند مصوبه یی خلاف اینها داشته باشد. این مطلب مهمی است. در واقع کلیت توسعه کشور این است که وابستگی به نفت را باید کاهش دهیم و یک عزم ملی می خواهد و جایی که باید چنین تصمیمی بگیرد باید جای بالایی باشد. این طور نباشد که پولی هست و هر روز سوسمه شوند لایحه یی بدهند و از این پول خرج کنند. این صندوق پیشنهادی در قوه مجریه است اما همان طور که بحث استقلال بانک مرکزی پیش می آید، جایی که برای برداشت از صندوق ذخیره ارزی تصمیم می گیرد باید نهادی باشد که تحت تاثیر نوسانات سیاسی دولت ها و مجلس ها قرار نگیرد.

در دولت دولت در برداشت باز است؟ پس نقش هیأت امنای صندوق چیست؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

اصلاً چرا صندوق ذخیره ارزی زیر نظر دولت است؟ مگر پول مازاد نفت به دولت تعلق دارد؟ چرا با استناد به قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه که بر ممنوعیت برداشت از حساب ذخیره ارزی دلالت دارد دست دولت در برداشت باز است؟

اصلاً چرا صندوقی برای فقیرتر شدن-۲ اینهمه سوال از ذخیره ارزی آیدین نامع

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

اصلاً چرا صندوقی برای فقیرتر شدن-۴ آیدین نامع

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

اصلاً چرا صندوقی برای فقیرتر شدن-۲ اینهمه سوال از ذخیره ارزی آیدین نامع

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

اصلاً چرا صندوقی برای فقیرتر شدن-۲ اینهمه سوال از ذخیره ارزی آیدین نامع

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

**اقتصادی**  
Daily Economic News

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول:**  
**سید محمد صفی زاده**

**آدرس پست الکترونیکی**  
E-Mail : [Info@Abrar.ir](mailto:Info@Abrar.ir)

**نشانی : تهران . خیابان شهید بهشتی . خیابان قائم مقام فراهانی**  
**خیابان شهید میرزا حسنی - پلاک ۸**

**تلفن: ۴ الی ۰۸۲۷۰۰۸۰۴-۰۸۸۷۰۰۸۸۷**  
**نمابر: ۰۸۲۷۰۰۸۸۷**

**تلفن سازمان آگهی ها: ۰۷۸۴-۰۸۸۷۰۰۷۹۵-۰۸۸۷۰۰۸۸۷**  
**۰۸۸۷۰۰۸۲۷-۰۸۸۷۰۰۸۸۷**

**آدرس الکترونیکی:** [www.Abrarnews.com](http://www.Abrarnews.com)

**چاپ: زیتون نگار .....تلفن:۰۸۲۷۰۰۸۸۷**

**صندوقی برای فقیرتر شدن-۲ اینهمه سوال از ذخیره ارزی آیدین نامع**

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

اصلاً چرا صندوقی برای فقیرتر شدن-۲ اینهمه سوال از ذخیره ارزی آیدین نامع

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

**صندوقی برای فقیر تر شدن-۴ آیدین نامع**

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

**صندوقی برای فقیر تر شدن-۴ آیدین نامع**

آیا تاکنون صاحب نظری توانسته نقدی کارآمد و مبتنی بر علم و عمل از صندوق ذخیره ارزی تهیه کند؟ قطعاً خیر. اگر ادعا شود که صندوق ذخیره ارزی باعث فقیرتر شدن اقتصاد ایران شده است، صاحب نظری می تواند خلاف آن را اثبات کند؟ یا سکوت اختیار می کند؟ اصلاً چرا صندوقی به نام صندوق ذخیره ارزی تشکیل شد؟ البته در دولت پیشین از این سبک سازه های خلق الساعه بسیار بود، مانند تشکیل وزارت رفاه.

**جناب آقای مهندس محمدرضا بابائی مدیرعامل محترم شرکت کارخانجات کمک فنرابندامین اسبابا دریافت تندیس زرین و لوح تقدیر واحد نمونه برتر موسسه استاندارد در سال ۱۳۸۷ از نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی، بر حضر تعالی و کلیه مدیران و پرسنل آن مجموعه مبارک باد.**

**موسسه انومبیل کرایه و خدمات تک**

منبع: ایسکانیوز

**صندوقی برای فقیر تر شدن-۵ بحران و حساب ذخیره ارزی**

از زمان دولت ششم مازاد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام در پایان هر سال به نسبت ارقام پیش بینی شده در قانون در محلی به نام حساب سیرده دولت نزد بانک مرکزی تحت عنوان حساب ذخیره ارزی درآمد نفت خام نگهداری می شود.

تشکیل حساب ذخیره ارزی برای استفاده در شرایط بحرانی کشور است که در سال ۱۳۷۹ توسط دولت سید محمد خاتمی و پس از پشت سر گذاردن شوک ناشی از کاهش شدید درآمدهای نفتی راه اندازی شد. حساب ذخیره ارزی در دولت محمود احمدی نژاد به صندوق ذخیره ارزی تغییر نام یافت. در آن زمان دولت خاتمی تجربه تلخی از کاهش شدید درآمدهای نفتی در سالهای آغازین فعالیت خود داشت، بنابراین باره اندازی این صندوق درآمد بیش از نیاز کشور بود. در این صندوق واریز کرد تا در شرایط بحرانی مورد استفاده قرار گیرد. آن مقطع همه مسئولان و دست اندرکاران متعهد شدند به منظور مصون ماندن اقتصاد کشور و محفوظ ماندن مردم از آثار شوک های نفتی، مازاد درآمدها را در این حساب برای روزهای سخت ذخیره کنند، اما به خاطر وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به بازارهای جهانی و روند بودجه بندی کشور همیشه برداشت از حساب ذخیره ارزی برای دولت ها وسوسه انگیز بوده است.

امروزه استفاده از وجوه حساب ذخیره ریالی برای تامین بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش درآمد ارزی مصوب و عدم امکان تامین اعتبار آن از محل منبع مالیات و سایر منابع تامین اعتبار مجاز خواهد بود و استفاده از آن برای تامین کسری ناشی از درآمدهای غیرنفتی بودجه عمومی دولت ممنوع است.

اما با وجود مبنای نظری و تئوریک که تاسیس چنین حسابی را تایید می کردند، روندی که دولت ها و مجالس مختلف در تعامل با آن در پیش گرفتند، تحقق اهداف موردتأمین حساب ذخیره ارزی

از زمان دولت ششم مازاد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام در پایان هر سال به نسبت ارقام پیش بینی شده در قانون در محلی به نام حساب سیرده دولت نزد بانک مرکزی تحت عنوان حساب ذخیره ارزی درآمد نفت خام نگهداری می شود.

تشکیل حساب ذخیره ارزی برای استفاده در شرایط بحرانی کشور است که در سال ۱۳۷۹ توسط دولت سید محمد خاتمی و پس از پشت سر گذاردن شوک ناشی از کاهش شدید درآمدهای نفتی راه اندازی شد. حساب ذخیره ارزی در دولت محمود احمدی نژاد به صندوق ذخیره ارزی تغییر نام یافت. در آن زمان دولت خاتمی تجربه تلخی از کاهش شدید درآمدهای نفتی در سالهای آغازین فعالیت خود داشت، بنابراین باره اندازی این صندوق درآمد بیش از نیاز کشور بود. در این صندوق واریز کرد تا در شرایط بحرانی مورد استفاده قرار گیرد. آن مقطع همه مسئولان و دست اندرکاران متعهد شدند به منظور مصون ماندن اقتصاد کشور و محفوظ ماندن مردم از آثار شوک های نفتی، مازاد درآمدها را در این حساب برای روزهای سخت ذخیره کنند، اما به خاطر وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به بازارهای جهانی و روند بودجه بندی کشور همیشه برداشت از حساب ذخیره ارزی برای دولت ها وسوسه انگیز بوده است.

امروزه استفاده از وجوه حساب ذخیره ریالی برای تامین بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش درآمد ارزی مصوب و عدم امکان تامین اعتبار آن از محل منبع مالیات و سایر منابع تامین اعتبار مجاز خواهد بود و استفاده از آن برای تامین کسری ناشی از درآمدهای غیرنفتی بودجه عمومی دولت ممنوع است.

اما با وجود مبنای نظری و تئوریک که تاسیس چنین حسابی را تایید می کردند، روندی که دولت ها و مجالس مختلف در تعامل با آن در پیش گرفتند، تحقق اهداف موردتأمین حساب ذخیره ارزی